

# پژوهشی در نامه های پیامبر ﷺ

نامه‌ها، آثار به جای مانده از ارسال نامه‌ها، عبرت‌های برآمده از نامه‌ها و همچنین بررسی نامه‌ها از منظر تمامی فصول سیره نبوی برای رسیدن به نتایج درست و متقن باز خواهد بود.

دو مطلب جدی و پراهمیت در نیمه دوم قرن بیستم میلادی در موضوع نامه‌ها رخ نمود که ما را به تأملی پرشتاب فرا می‌خواند.

## مطلب اول

مطالعاتی که پاره‌ای از مستشرقان و متأسفانه در پی آن برخی نویسندگان مسلمان انتشار داده و صحت گزارش نامه‌ها را از اساس زیر سؤال بردند. این تحقیقات برآند که نامه‌ها و اعزام‌ها، ساخته نویسندگان مسلمان بوده و صحت و واقعیت تاریخی ندارند. برخی از آن محققان درستی پاره‌ای از نامه‌ها و اعزام‌ها را با مسامحه پذیرفته و برخی را انکار می‌کنند، اما در مجموع پژوهش‌های خود، در اخبار مربوط به نامه‌ها، اسناد، ارتباطات، وقایع و نتایج تشکیک نمودند.

در اینجا مناسب می‌دانم قبل از پرداختن به دو مطلب تشکیکی به اختصار به اخبار این نامه‌ها و بررسی‌های مربوط به آن در منابع اسلامی سری بزنیم.

خلاصه‌ترین گزارش از این نامه‌ها توسط مسلم در باب جهاد از انس روایت شده که گفته: پیامبر (ص) به کسری، قیصر، نجاشی و تمامی پادشاهان نامه نوشت و آنها را به خدای بزرگ فرا خواند.<sup>۱</sup>

ابن هشام در سیره خود این خبر را کمی بسط داده و می‌گوید:

خبردار شدم که پیامبر (ص) روزی پس از بازگشت از حدیبیه برای مردم خطبه خواند و گفت: مردم! خداوند مرا از روی رحمت و برای تمامی خلق مبعوث فرموده. پس مانند اختلاف حواریون بر عیسی بن مریم درباره من اختلاف نکنید. اصحاب

چکیده: موضوع نامه‌هایی که پیامبر (ص) به پادشاهان، سران کشورها و رهبران ملل و گروه‌های آن روزگار ارسال نمودند، صفحه‌ای مهم از صفحات سیره نبوی و تاریخ اسلامی را رقم می‌زند. این موضوع، مورد توجه حدیث پژوهان، سیره شناسان، مورخان و ادب پژوهان در تمامی برهه‌ها قرار گرفته است. به زعم نگارنده این سطور، دو مطلب جدی در نیمه دوم قرن بیستم میلادی در موضوع نامه‌ها رخ نمود که باب تأمل بیشتر در این عرصه را باز می‌نماید. مطلب اول مربوط به مطالعاتی است که پاره‌ای از مستشرقان و در پی آن برخی نویسندگان مسلمان انتشار داده و صحت گزارش نامه‌ها را از اساس، زیر سؤال بردند. این تحقیقات برآند که نامه‌ها و اعزام‌ها، ساخته نویسندگان مسلمان بوده و صحت تاریخی ندارند. مطلب دوم، کشف پنج پوست نوشته است که آن‌ها را اصل پنج نامه مهم پیامبر پنداشته‌اند که پیرامون صحت آن، اختلاف نظرهایی وجود دارد. از این رو، نویسنده نوشتار حاضر، قبل از پرداختن به این دو مطلب تشکیکی، ابتدا به اخبار این نامه‌ها و بررسی‌های مربوط به آن در منابع اسلامی توجه می‌کند. سپس این دو مطلب را به اجمال عرضه داشته و نظرات خود را ارائه می‌نماید.

کلیدواژه: نامه‌های پیامبر، سیره نبوی، پیامبر اسلام (ص).

<sup>۱</sup> موضوع نامه‌هایی که پیامبر (ص) به پادشاهان، سران کشورها و رهبران ملل و گروه‌های آن روزگار ارسال نمودند، صفحه‌ای مهم از صفحات سیره نبوی و تاریخ اسلامی را رقم می‌زند. این نامه‌ها روشی از کاربردهای عملی و ملموس آیین جهان‌شمول اسلام را به عنوان پایان‌دهنده ادیان و هدایت الهی برای تمامی انسان‌ها آشکار می‌سازد.

این موضوع مورد توجه و بررسی بایسته در مطالعات حدیث پژوهان، سیره‌شناسان، مورخان و ادب پژوهان در تمامی برهه‌ها قرار گرفته است. پژوهش‌های انجام‌یافته شامل جمع‌آوری، وثاقت‌بخشی، ترجیح و تحلیل و بررسی رضایت‌بخش هستند. با این وجود باب تدقیق، بررسی و بازنگری موضوع، به‌ویژه در زمینه اعزام سفرا، متون نامه‌ها و پاسخ

۱. این نوشتار ترجمه‌ای است از مقاله «الدراسات المتعلقة برسائل النبي (ص) إلى ملوک عصره»، از دکتر عزالدین ابراهیم مندرج در کتاب: صناعة المخطوط العربی الاسلامی من الترمیم إلى التجلید، ص ۴۰۳-۴۲۹، ج ۱، امارات: نشر مرکز جمعة الماجد للثقافة والتراث، ۲۰۰۱ م.

۲. صحیح مسلم، باب الجهاد، ج ۳، ص ۳۹۱.

مصدر دانسته است.<sup>۹</sup> همزمان برخی از نویسندگان مسلمان این تردیدها و تشکیک‌ها را در نوشته‌های عربی انتقال داده<sup>۱۰</sup> و دلایلی که برخی از شرق‌شناسان در آثارشان ارائه کرده را تکرار کردند.

چکیده دلایل منکران موضوع و پذیرندگان آن دلایل بدین قرار است:

۱. به نظر آنها اسلام دینی مختص به عربستان بوده و خبر اعزام سفرا مربوط به خارج از این محدوده است.

۲. از نظر آنها پیامبر (ص) در موقعیت ضعیف سیاسی و نظامی قرار داشته و امکان رویارویی با ابرقدرت‌های دنیا به وسیله نامه‌ها و اعزام‌ها را نداشته است.

۳. ابن اسحاق به داستان نامه‌ها اشاره نکرده و دلیل آن سستی وثاقت تاریخی این اخبار است.

۴. طرح اخبار اعزام سفرا با جزئیات اسطوره‌گونه آن باعث رد تمامی آن اخبار می‌شود.

۵. پاره‌ای از این نامه‌ها دارای آیه قرآن است که نزول آن آیه‌ها دو سال پس از تاریخ نامه‌ها صورت گرفته است.

منابع قدیمی درباره سرنوشت اصل نامه‌هایی که پیامبر (ص) به پادشاهان و حاکمان ارسال نموده اشاره‌ای نکرده‌اند؛ بدین اعتبار که این نامه‌ها به نقاط مورد نظر واصل و ماندگار شده‌اند. جزاین سهیلی از دانشمندان قرن ششم هجری و به دنبال او دانشمند مغربی معاصر، عبدالحی کتانی به ارسال نامه هرقل به برخی از حاکمان اسپانیا اشاره کرده‌اند.<sup>۱۱</sup>

از سال ۱۸۵۰م این نامه‌ها کشف شده و تا کنون پنج نامه مکتوب بر پوست یافت گردیده که تحقیقاتی در میزان صحت آنها انجام شده است.

۱. در سال ۱۸۵۰م شرق‌شناس فرانسوی بارتلیمی، در خلال تفحص برای برخی کتاب‌ها و اناجیل موجود در یکی از صومعه‌های ناحیه اخمیم در صعید مصر به نامه‌ای پوستی و قدیمی دست یافت و با بررسی و تحقیقی معلوم کرد که آن، نامه پیامبر (ص) به مقوقس بزرگ قبطیان مصر است. در این تحقیق که با همکاری موسیوبلین انجام گرفت، مقایسه‌ای میان متن نامه با دیگر متون اصلی ارائه شده و پس از آن صحت اصالت نامه اعلام شد. در این رابطه مقاله‌ای در سال ۱۸۵۶ در مجله آسیایی و سپس در نوامبر ۱۹۰۴ در مجله الهلال مصری به چاپ رسید.

به دستور خلیفه عثمانی سلطان عبدالمجید، نامه را به دست آورده

گفتند: حواریون چگونه اختلاف کردند؟ فرمود: عیسی به همین نحوه من شما را دعوت کردم، روزی حواریون را فراخواند [و آنها را به جاهای مختلف گسیل داشت]. آنها می‌گفتند: که به جاهای نزدیک رفتند، راضی و خوشنود بودند و کسانی که به مناطق دور اعزام شده، ناراضی شدند و لذا عیسی به خدا شکایت کرد و خداوند کاری کرد که تمامی ناراضیان و نمایندگان به زبان مردمی که عیسی آنها را به سوی آنها فرستاده بود سخن می‌گفتند.

سپس رسول خدا برخی از اصحاب خود را برای ابلاغ دعوت نامه‌هایی که خطاب به پادشاهان نوشته بود اعزام کرد. دحیه بن خلیفه کلبی را به سوی قیصر امپراطور روم فرستاد. عبدالله بن حذافه سهمی را نزد کسری (خسرو پرویز) پادشاه ایران، عمرو بن امیه ضمری را نزد نجاشی پادشاه حبشه، حاطب بن ابی بلقعه را به سوی مقوقس پادشاه اسکندریه، عمرو بن عاص سهمی را به سوی جیفر<sup>۲</sup> و عیاذ فرزندان جلندی. سلطان عمان، سلیط بن عمرو از قبیله بنی عامر را به سوی ثمامه بن اثال، هوده بن علی حنفی. پادشاه یمامه. علاء بن حضرمی را به سوی منذر بن ساوی عبدی پادشاه بحرین و شجاع بن وهب اسدی را به سوی حارث بن ابوشمر غسانی پادشاه شامات اعزام داشت.

ابن هشام در ادامه می‌افزاید که مهاجر بن ابوامیه مخزومی سفیری را نزد حارث بن عبدالکلال حمیری پادشاه یمن اعزام نمود.<sup>۳</sup>

انکار صحت اعزام‌های نبوی در نوشته‌های برخی از مستشرقان آشکار است. از این دست به شرق‌شناس انگلیسی سرویلیام میور در دو کتاب خود زندگی محمد و خلافت<sup>۴</sup> و مستشرق ایتالیایی لئون کایتانی در کتابش تاریخ اسلام<sup>۵</sup> و شرق‌شناس یهودی مارگلیوث در کتابش محمد<sup>۶</sup> می‌توان اشاره کرد.

همزمان مشاهده می‌کنیم که برخی از شرق‌شناسان با این دسته همراهی نکرده و صحت اعزام نمایندگان و جهانی بودن پیام اسلام را پذیرفتند؛ از جمله سر توماس آرنولد انگلیسی در کتاب دعوت به اسلام<sup>۷</sup> و نولدکه آلمانی که وی اصالت سندی که در مطلع این قرن بدان دست یافته را تأیید کرد و آن را ترجیحاً نامه پیامبر (ص) به مقوقس بزرگ قبطیان در

۳. در بیشتر منابع در نام جیفر و عبد ابنی جلندی یاد می‌شود.

۴. ابن هشام، السیره بتحقیق السقا، ج ۴، ص ۲۵۴.

۵. The life of mohamad pp. ۳۳-۳۵۷; The caliphate pp. ۴۴-۴۵.

۶. Caltani, Annali dell Islam, V.1, P. ۷۲۵.

۷. Margliouth, mohammed, pp. ۳۶۴-۷.

۸. توماس آرنولد، الدعوة الی الاسلام، ص ۴۸ به بعد.

۹. دیلوماسیه محمد، ص ۸۳.

۱۰. د. نیبه عاقل، تاریخ العرب القديم وعصر الرسول ص ۵۳۷ به بعد و دیلوماسیه محمد، ص ۵۷ به بعد.

۱۱. السهیلی، الروض الالف، ج ۳، ص ۱۹۷ و عبدالحی کتانی، التراتیب الاداریاً، ج ۱، ص ۱۴۶.

نامه‌نگاری با هرقل در دو باب (کتب النبى إلى هرقل وکتب النبى إلى ملوک الکفار) به تفصیل سخن آورده است.

احمد در مسندش نیز از نامه‌نگاری به نجاشی، کسری و قیصر ذیل عنوان (حدیث رسول قیصر إلى رسول الله) سخن آورده<sup>۱۲</sup> و نامه‌نگاری به قیصر توسط ابن عباس را مانند نجاری و مسلم به تفصیل گزارش کرده است.<sup>۱۳</sup>

ترمذی خبر نامه‌نگاری به کسری، قیصر، نجاشی و تمامی حاکمان را در باب (مکاتبه المشرکین) و خبر هرقل را در باب (ما جاء کیف یکتب إلى أهل الشرک) و مکاتبه با عجم را در باب (ما جاء فی ختم الکتاب) آورده است.

مابقی اصحاب سنن، یعنی ابوداود، نسائی و ابن ماجه این خبر را به اجمال آورده‌اند.<sup>۱۴</sup>

مهم‌ترین کتاب‌های سیره و تاریخ در این باره به تفصیل سخن گفته‌اند. به ویژه ابن سعد در طبقات خود که بیش از سی صفحه را به این موضوع اختصاص داده و در آن به اخبار نامه‌های ارسالی به پادشاهان و سران ممالک پرداخته است. ابن سعد تعداد این مکاتبات را صد مورد دانسته<sup>۱۵</sup> است. ابوالفدا ابن کثیر در سیره خود<sup>۱۶</sup> و طبری در تاریخش<sup>۱۷</sup> و یعقوبی در تاریخ خود از این موضوع یاد کرده‌اند.

پاره‌ای از منابع اولیه، متون نامه‌های نبوی را جمع‌آوری کرده‌اند؛ مانند ابو عبید در الاموال و عمرو بن حزم در مجموعه‌ای ویژه که ضمیمه کتابی متأخر، یعنی اعلام السائلین عن کتب سید المرسلین اثر ابن طولون از مورخان قرن دهم شده است. همچنین برخی از کتاب‌ها با همین موضوع نگاشته شده که فقط اسامی آنها به ما رسیده است.<sup>۱۸</sup>

کتاب‌های تاریخی، سیره و ادبیات در دوره میانه، به جمع‌آوری اخباری که در منابع آغازین آمده پرداخته‌اند؛ از جمله امتاع الاسماع اثر مقریزی و صبح الاعشی<sup>۱۹</sup> از قلقشندی که در این دو کتاب توجه ویژه‌ای به متون نامه‌ها و روایت‌های مربوطه شده است. همچنین در

## موضوع نامه‌هایی که پیامبر

### (ص) به پادشاهان، سران

### کشورها و رهبران ملل و

### گروه‌های آن روزگار ارسال

### نمودند، صفحه‌های مهم از

### صفحات سیره نبوی و تاریخ

### اسلامی را رقم می‌زند. این

### نامه‌ها روشی از کاربردهای

### عملی و ملموس آیین

### جهان‌شمول اسلام را به عنوان

### پایان‌دهنده ادیان و هدایت

### الهی برای تمامی انسان‌ها

### آشکار می‌سازد.

و آن را در صندوقی طلائی نگهداری نمودند. این نامه هم‌اکنون در غرفه آثار منسوب به پیامبر (ص) در موزه طوپقاپی سرای استانبول در معرض نمایش قرار دارد. این نامه تیره رنگ و نازک و از وسط دارای پارگی‌ها و شکاف‌هایی بوده، اما همچنان قابل خواندن است.

این کشف از سوی مستشرقان با واکنش‌های سختی روبرو شد. برخی مانند نولدکه آن را تأیید و برخی نیز همچو کایتانی آن نامه و قصه نامه‌ها را به کل انکار کردند.

مهم‌ترین تحقیقی که در موضوع نامه‌ها انتشار یافته توسط دانشمندی مسلمان، یعنی دکتر محمد حمیدالله در سال ۱۹۵۵ (مجله Arabica) صورت گرفت.

۲. کشف پنج پوست‌نوشته که آنها را اصل پنج نامه

مهم پنداشته‌اند. این پنج نامه به ترتیب کشف آنها عبارتند از نامه پیامبر (ص) به مقوقس بزرگ قبطیان در مصر، منذر بن ساوی حاکم بحرین، نجاشی پادشاه حبشه، کسری پادشاه ایران و هرقل پادشاه روم.

درباره این پوست‌نوشته‌ها توسط برخی دانشمندان مسلمان و شرق‌شناس مطالعاتی صورت گرفت و درباره صحت و اصالت آن اختلاف نظرهایی بروز یافت، اما در مجموع هریک از این نظرها ابعاد تازه‌ای به مطالعات قبلی افزود.

دو مطلب یادشده، باب بررسی و تحقیق این موضوع از موضوعات سیره نبوی را باز گشاده است.

هدفم در این نوشتار آن است که این دو مطلب جدید را ولو به اجمال عرضه داشته و نظرات خود را ارائه کنم.

همه کتاب‌های اصلی حدیث در مورد خبرنامه‌ها اجماع داشته‌اند. بخاری به اجمال گزارش نوشتن نامه به اهل کتاب، روم و اعاجم (غیر عرب‌ها) را در باب (اتخاذ الخاتم لیختم به الشیء أو لیکتب به إلى أهل الکتاب وغیرهم) آورده است. همچنین او خبر نوشتن نامه به کسری را در باب (کتب النبى إلى کسری و قیصر) یاد کرده است، اما نوشتن نامه و اعزاز نماینده نزد هرقل را به طور مفصل در سه باب نقل کرده است: (بدء الوحى، دعوة الیهود والنصارى و اعلام یقاتلون علیه، تفسیر سوره آل عمران).

مسلم جریان نامه‌نگاری به کسری، قیصر، نجاشی، عجم و روم را به طور مختصر در دو باب (الجهاد و تحریم خاتم الذهب) آورده و درباره

۱۲. مسند احمد، ج ۴، ص ۷۴-۷۵.

۱۳. مسند احمد، ج ۱، ص ۲۶۲.

۱۴. ابوداود، حدیث ۴۲۱۴، النسائی، ج ۸، ص ۱۷۴ و ابن ماجه، حدیث ۳۶۳۹/۳۶۴۰.

۱۵. ابن سعد، الطبقات، ج ۱، ص ۲۵۸ به بعد.

۱۶. ابن کثیر، السیره، ج ۳، ص ۴۹۴ به بعد.

۱۷. الطبری، تاریخ الملوک والرسل، ج ۳، ص ۱۵۵۹ به بعد.

۱۸. محمد حمیدالله، الوثائق السیاسیه، ص ۱۱، الطبری، اخبار سنه، ص ۶ و الفهرست، ط فلوجل، ج ۱، ص ۱۰۰.

۱۹. القلقشندی، صبح الاعشی، ج ۶، ص ۳۷۷ به بعد.

عیون الاثر<sup>۲۰</sup> ابن سیدناس و السیره الحلبیه<sup>۲۱</sup> اثر علی حلبی که در آن دو، اخبار مکاتبات با قید ترجیح در برخی موارد جمع‌آوری شده است.

طبیعی است که کتاب‌های تاریخ و سیره‌نگاری جدید نیز در توجه به قضیه مکاتبات، پیرو همان منابع اولیه و میانه بوده باشند. بیشترین کتاب‌های جدید رویه تلخیص، گزینش و توجه به مغزو محتوای اساسی این نامه‌ها را با تأکید بر بعد جهان‌شمولی دین اسلام در پیش گرفتند که در این

زمینه لازم است بر دو کتاب مهم از این دست اشاره کنیم: یکی کتاب السفر القیم است که دکتر محمد حمیدالله آن را با عنوان مجموعه الوثائق السیاسه للعهد النبوی والخلافه الراشده تصحیح کرده و در آن متن نامه‌های نبوی را در این موضوع و دیگر موضوعات جمع‌آوری کرده است.<sup>۲۲</sup> کتاب دیگر السیره النبویه لمونا ابوالحسن ندوی است که در آن گزارش اعزام‌ها را آورده و پاره‌ای ملاحظات و نقدهای روشن‌گرانه بر جزئیاتی که در کتاب‌های تاریخی و سیره‌نگاری اولیه در این موضوع آمده را وارد کرده است.<sup>۲۳</sup>

هدف از این عرضه سریع مطالعات مربوط به نامه‌های نبوی (ص) در منابع و مآخذ قدیم و میانه و جدید، ارائه کتاب‌شناسی موضوع نیست، بلکه هدف حساسیت نسبت به میزان وثاقت این نامه‌ها توسط محققان در گذر زمان است.

پس از این بررسی به دو نتیجه روشن می‌رسیم:

اول: صحت موضوع نامه‌ها در منابع ما در مجموع در سطح مسلمات تاریخی و حقایق دینی غیرقابل تردید قرار می‌گیرد. با این وجود نمی‌توان بررسی و امعان نظر در پاره‌ای از جزئیات موضوع نامه‌ها و اعزام‌ها را به قصد شناخت درست از نادرست و البته با پذیرش قبلی صورت مسئله نفی کرد.

دوم: کتاب‌های دوره میانه غالباً به تجمیع و هماهنگی پرداخته و کتاب‌های جدید به خلاصه‌بندی، تحلیل و استنباط عبرت‌ها توجه کرده‌اند، اما نیاز شدید به مطالعات اسنادی به‌ویژه در پاره‌ای جزئیات احساس می‌شود.

در اینجا نقدهایی کوتاه بر شبهات و ادعاهای یادشده ارائه می‌دهم.

۱. آورده‌اند که اسلام مخصوص جزیره العرب بوده و جهان‌شمول

## منابع قدیمی درباره سرنوشت

### اصل نامه‌هایی که پیامبر

### (ص) به پادشاهان و حاکمان

### ارسال نموده اشاره‌ای

### نکرده‌اند؛ بدین اعتبار که

### این نامه‌ها به نقاط مورد نظر

### واصل و ماندگار شده‌اند.

نبوده است و عدم صحت خبر نامه‌ها و اعزام‌ها را نتیجه می‌گیرند. باید گفت این روش در استدلال تاریخی نادرست است و انگیزه حقیقی کاروان شبهه‌انگیزان را بر ملا می‌سازد؛ زیرا داوری درباره درستی یا نادرستی وقایع تاریخی بر اساس تصورات یک محقق از سرشت دینی که با این وقایع مرتبط بوده انجام نمی‌شود، بلکه برعکس، وقایع، درست یا نادرست بر تحقق محض تاریخی مبتنی گردیده و این آن چیزی است که محقق را در سرشت حقیقی دین رهنمون می‌سازد.

اعزام‌ها و مکاتبات در عصر پیامبر (ص) تنها مقدمه‌ای برای بُعد جهان‌شمولی اسلام از منظر رسالت، تمدن و نیروی سپاه بوده است. برای نمونه کشور شام و روم را یاد می‌کنیم که یک‌سال از اعزام نمایندگان نگذشته بود که نیروهای اسلام به (ذات الطلح) یا مرزهای شام رسیده و رسالت اسلام را ابلاغ نموده و تمامی آنها به همین علت به شهادت رسیدند. به دنبال آن سریه‌ای اسلامی به رهبری زید بن حارثه برای تأدیب دشمنان به وقوع پیوست. سپس پیامبر (ص) خود در رأس سپاه عسره برای جنگ با رومیان در طرف خاک اینان رهسپار شد و این موضوع با تصرف شام به دست مسلمانان در زمان ابوبکر و سقوط مصر در عهد عمر که هر دو مکان قلعه‌های روم در مشرق به‌شمار می‌رفته تکمیل شد.

وقایع تاریخی تأکید دارند که رسالت اسلام می‌توانست به همه دنیا برسد. پس چگونه از این سلسله وقایع زنجیروار می‌توان اعزام‌ها و نامه‌ها را خارج و تکذیب کرد؟

تعجب می‌کنم که دکتر حسن ابراهیم حسن در تاریخش<sup>۲۴</sup> از دیدگاه مستشرقان از اندیشه فراگیر اسلام اظهار ناباوری کرده و می‌گوید: «اگر می‌گفتند که اسکندر مقدونی در پی تشکیل یک امپراطوری بوده که همه دنیای باستان را در بر بگیرد قبول می‌کردیم. اگر می‌گفتند که ناپلئون در پی تشکیل یک امپراطوری بود که دنیای قدیم و جدید را فرا بگیرد می‌پذیرفتیم، اما اگر بگویند که حضرت محمد بن عبدالله (ص) در پی دعوت مردم هم‌مرز عربستان و مرتبطان با قریش به دین اسلام بوده، باید گفت که قبول این نظریه لحاظ علمی دشوار بوده و قابل پذیرش برای عقل آزاداندیش نخواهد بود.»

اگر وقایع و حوادث را کنار بگذاریم و متون و تعالیم را مدرک قرار دهیم، جهان‌شمولی اسلام را در آنها بی‌نیاز از دلیل خواهیم یافت. کافی است که آیتی که تمام مردم و جهانیان را به دین اسلام فراخوانده قرائت کنیم. خداوند فرموده: «وما أرسلناك إلا كافة للناس بشیراً ونذیراً ولكن اکثر

۲۴. حسن ابراهیم حسن، تاریخ الاسلام السیاسی.

۲۰. ابن سید الناس، عیون الاثر، ج ۲، ص ۲۵۹-۲۷۰.

۲۱. السیره الحلبیه، ج ۳، ص ۵۵-۹۰.

۲۲. محمد حمیدالله، الوثائق السیاسیه، ص ۷۴ به بعد.

۲۳. ابوالحسن الندوی، السیره النبویه، ص ۲۳۳-۲۵۴.

دلیل بر ضعف این خبر بوده است.<sup>۲۸</sup>

نمی‌دانم کایتانی به کدام چاپ سیره ابن هشام مراجعه کرده؟ چه اینکه چایی که با تصحیح سقا نزد ماست خبر مکاتبات را با دروایت آورده است: یکی از ابن هشام با سندش از ابوبکر هذلی و دوم از ابن اسحاق با سندش از یزید بن ابوحیب مصری.<sup>۲۹</sup> افزون بر این گزارش نامه‌ها چنانچه قبلاً آوردم در همه کتاب‌های سیره و کتب اصلی حدیث آمده و آن را وثاقت بخشیده‌اند.

همچنین منابع تاریخی غیرعربی نیز این گزارشات را تأیید کرده‌اند. مانند گزارش مکاتبه با هرقل که گیبون در کتاب معروف شکست و سقوط دولت روم با استناد به منابع متعدد یونانی آورده است.<sup>۳۰</sup> نیز گزارش مکاتبه با مقوقس را ابوصالح ارمنی در کتابش کنیسه‌ها و خانقاه‌های مصر که در قرن ششم هجری نگاشته آورده است.<sup>۳۱</sup>

۴. انکار موضوع مکاتبات به دلیل اشتغال وقایع جزئی که در بوته آزمایش و پالایش تاریخی قرار نگرفته هم عجیب است؛ زیرا فرض بر این بوده که اصل گزارش تا زمانی که دلایل صحت آن وجود داشته ثابت و مسلم انگاشته شود. آن‌گاه محققان در پی پالایش جزئیات آن برآیند. این شیوه تحقیقی مورد توجه دانشمندان مسلمان در مطالعات اخبار سیره نبوی بوده است. روشن است که در سیره نبوی اخباری مهم وجود دارد که یا با قرآن یا با سنت و یا با دلیل روشن تاریخی به اثبات می‌رسند.

از نمونه‌های این موضوع، قضیه نمایندگانی است که پیامبر (ص) آنها را امر به اعزام نمودند و اینکه چگونه پس از شب امریه اعزام شدند و زبان مخاطبان را بدون آموزشی قبلی شناخته و فرا گرفته بودند. تشکیک‌کنندگان می‌گویند: این جریان در طبقات ابن سعد آمده و او تصریح داشته که این حادثه معجزه‌ای از پیامبر (ص) بوده است. آن‌گاه کل خبر را بعید برشمرده و آن را ساخته راویان و شبیه خبری مشابه از مسیح (ع) دانسته‌اند، بر این قرار که ایشان برای نشر تعالیم خود برخی از حواریان را اعزام نمود و آنها بلافاصله اعزام شده و زبان ناحیه اعزامی را می‌دانستند.<sup>۳۲</sup>

شگفت آنکه علامه ابوحسن ندوی در سیره خود در این باره می‌گوید: «اگر وقوع معجزه را مؤلف بعید ندانسته، ترجیحاً آن را حمل بر حکمت و حُسن‌گزینش پیامبر (ص) می‌کند. چه وجود افرادی که رومی، فارسی، حبشی و قبطی را خوب بفهمند، غریب نبوده؛ زیرا عرب‌ها با این کشورها بسیار اختلاط کرده‌اند و داستان اعزام‌ها نیز به این چهار زبان

الناس لا يعلمون»: (سبأ آیه ۲۸)، «قل یا أيها الناس إني رسول الله إليكم جميعاً»: (اعراف ۱۵۸)، «تبارك الذي نزل الفرقان على عبده ليكون للعالمين نذيراً»: (فرقان ۱) و «هو الذي أرسل رسوله بالهدى ودين الحق ليظهره على الدين كله»: (فتح ۲۸). علاوه بر این ندهای پرتکرار در قرآن به بنی آدم، اهل کتاب و به تمامی انس و جن، هرگونه شبیه‌ای در جهان شمولی رسالت اسلام را دفع خواهد کرد.

۲. اینکه می‌گویند پیامبر (ص) در وضعیت ضعف سیاسی و نظامی قرار داشته به سه دلیل قابل پذیرش نیست:

اول: اسلام پس از حدیبیه، یعنی پس از سال ششم هجری هیچ‌گاه در حالت ضعف نبوده است؛ زیرا حدیبیه آغاز گسترش اسلام از مدینه منوره بوده است. سپس عمره قضاء و آن‌گاه فتح مکه به وقوع پیوست و پیامبر در جایگاه خود تثبیت یافته بود و ندای آسمانی از پیروزی نزدیک خبر داد. استحکام موضع پیامبر در نامه ایشان به هود بن علی، شیخ یمامه در قسمت شرقی جزیره العرب آشکار می‌شود که فرمود: «بدان که دین من تا آنجا که نهایت سیرشتران و اسبان است فراگیرد».<sup>۳۵</sup> یعنی تا آخرین نقطه‌ای که حیوانات قدم در آن می‌گذارند. این پیام نمی‌تواند از موضعی ضعیف صادر شود.

دوم: سه قدرت بزرگ روم، ایران و حبشه قدرت‌های خیالی و خارج از دسترس در آن دوره نبودند؛ چرا که جنگ‌ها میان روم و ایران در گرفت و ایران توسط هرقل [هراکلیوس] در ماه‌های قبل از ماه اعزام‌ها با شکست مواجه شد که در پی آن نزاعی داخلی در حکومت آنها رخ نمود. میور آورده<sup>۳۶</sup> که دولت روم شرقی دچار شکاف مذهبی میان ملکانیان، یعقوبیان و نسطوریان شده بود. واحدی نیز گفته<sup>۳۷</sup> که هرقل در تدارک افزایش نیروهای جنگی برای مقابله با اعراب بود تا اینکه در تبوک به اوج خود رسید، اما با مشاهده قدرت اعراب از مواجهه با آنها منصرف شد.

سوم: دعوت به اسلام به شیوه مکاتبه و اعزام نمایندگان از شئون پیامبری بوده و در شمار نظامی‌گری یا سیاسی کاری نبوده تا با مقیاس‌های دنیوی سنجیده شود. قبل از آن موسی در اوج خداانکاری فرعون، او را به توحید فراخواند. عیسی (ع) نیز با یهود و روم در این زمینه مواجه شد. این در حالی است که هیچ‌یک از محققان غربی از این مطلب اظهار ناپاوری نکردند.

۳. درباره وثاقت تاریخی خبر مکاتبات، باور عجیب کایتانی است مبنی بر اینکه ابن هشام در کتاب سیره خود به منبع اصلی خبر مکاتبات از قول ابن اسحاق اشاره نکرده است و این سکوت ابن اسحاق

۲۸. کایتانی، ج ۱، ص ۷۲۵ و ۵۹، J.R.A.S., January 1940, p.

۲۹. ابن هشام، السیره النبویه، تحقیق السقا، ج ۴، ص ۲۵۴-۲۵۵.

۳۰. Gibbon: (Decline and fall of the roman Empire), ch. ۵۰, ۵۰.

۳۱. ابوصالح الارمنی، کنائس مصر و ادیرتها، تحقیق ایفات، ص ۱۰۰.

۳۲. دپلوماسیه محمد، ص ۵۸.

۲۵. القلقشندی، ج ۶، ص ۳۷۹.

۲۶. ویلیام میور، حیاة محمد، ص ۳۵۴.

۲۷. الواقدی، المغازی ط اروپا، ج ۳، ص ۱۱۲۴.

## هدف از این عرضه سریع مطالعات مربوط به نامه‌های نبوی (ص) در منابع و مآخذ قدیم و میانه و جدید، ارائه کتاب‌شناسی موضوع نیست، بلکه هدف، حساسیت نسبت به میزان وثاقت این نامه‌ها توسط محققان در گذر زمان است.

بیننا و بینکم الا نعبد الله ولا نُشْرک به شیئاً ولا یتخذ بعضنا بعضاً أرباباً من دون الله فان تولوا فقولوا اشهدوا بنا مسلمون». منبع مورد استفاده آنها نیز تفسیر طبری و ابن کثیر بوده و تعدد نزول را بعید دانسته‌اند.

وقوع اعزام‌ها در سال ششم هجری صحت دارد، اما سبب نزول آیه ۶۴ آل عمران درباره کوچ به نجران در سال نهم هجری قابل قبول نیست؛ زیرا طبری که مورد استفاده آنها قرار گرفته سه نظر را در سبب نزول آیه برشمرده: اول درباره یهود، دوم، درباره نصاری نجران و سوم درباره تمامی یهود و نصارا. در این میان نظرسوم محتمل تر طبری است و ابن کثیر نیز این نظر را تأیید می‌کند.<sup>۳۵</sup>

بنابراین باید گفت: نزول آیه در سال نهم ضعیف است و به احتمال قوی قبل از آن نازل شده است و پندار تناقض در تاریخ اعزام‌ها را رد می‌کند، اما اینکه آنها تعدد نزول این آیه را یک بار در سال نهم و یک بار قبل از سال نهم نامحتمل دانسته و نظر علمای مسلمان را جزء تخیلات برشمرده، می‌رساند که اینان مفهوم (تعدد نزول) را کاملاً درک نکرده‌اند. کافی است در این زمینه نظر زرکشی در البرهان را اقتباس کنیم که گفته: «گاهی یک آیه برای تکریم شأن موضوع و یادآوری وقوع دلایل آن و عدم فراموشی دو بار نازل می‌شود».<sup>۳۶</sup> مفهوم سخن زرکشی به زبان ما این است که آیه به مناسبت اولیه نازل می‌شود، سپس موقعیت دیگری رخ می‌دهد و آیه برای تطبیق با شرایط جدید و حکمتی که زرکشی از آن یاد کرده دوباره نازل می‌شود.

در سال ۱۸۶۳، دکتر بوش آلمانی مقاله‌ای در مجله شرق شناسان آلمان انتشار داد و در آن خبر از دست‌یابی به نسخه‌ای پوستی داد که احتمالاً اصل نامه پیامبر به منذر بن ساوی حاکم بحرین بوده است. این نسخه نزد وزیر معارف ترکیه کمال افندی رفته بود، اما گفته می‌شود که میزان وثاقت آن به درجه نسخه قبل نبوده است.

اکنون ما از مکان نگهداری این نسخه اطلاعی نداریم، اما گمان می‌رود که آل قوتلی یا آل مرادی در دمشق آن را نگهداری می‌کنند.<sup>۳۷</sup>

خط این نامه بسیار شبیه به خط نامه محفوظ در استانبول است. اگر اصالت این نامه تأیید شود، بدون شک این نامه و نامه قبلی به یک خط نگاشته شده‌اند. در غیر این صورت کاتب نامه، منذر با مهارت ویژگی‌های خط نامه مقوقس را الگو قرار داده است.

مربوط می‌شده است و زبان حاکمان جزیره العرب که پیامبر با آنها مکاتبه داشته عربی بوده است».<sup>۳۳</sup> دو نکته را در مورد کلام علامه ندوی یادآور می‌شوم: اول: این خبر در سیره ابن هشام متوجه حواریون مسیح (ع) و نه نمایندگان پیامبر (ص) بوده است و نمایندگان آنی که از طرف مسیح اعزام می‌شده و به زبان همان ناحیه اعزامی سخن می‌گفته، طبق متن ابن هشام بدون شک از حواریون بوده‌اند. بنابراین اگر روایت ابن هشام را پذیرفتیم، مسئله پایان یافته و شبهه تقلید مسلمانان از این جریان اقامه نخواهد شد.

دوم: به فرض سوق دادن خبر به نمایندگان پیامبر (ص) و بدین اعتبار که آنها از عربستان بوده‌اند، با این وجود چنان‌که ندوی گفته، جریان به چهار نماینده و چه بسا به دو نماینده محدود می‌شود؛ زیرا بر اساس آنچه در صحیحین آمده، هر قل برای ترجمه نامه، مترجم درخواست کرده است. همچنین منابع آورده‌اند که مقوقس نویسنده‌ای آشنا به زبان عربی را برای نوشتن جواب نامه فرا خوانده است و بعید نیست که وی ترجمه نامه را نیز ارائه کرده باشد.

می‌ماند اعزام ضمیری نزد نجاشی و سهمی نزد کسری. ضمیری برای دو بار به حبشه اعزام شد. اعزام اول برای بردن نامه‌ای خطاب به نجاشی اول و اعزام دوم برای نامه به نجاشی دوم. پانزده سال میان حکومت این دو نجاشی فاصله بوده است، پس تکرار این انتخاب چه بسا دلیل بر شناخت ضمیری از زبان حبشی بوده است، اما سهمی یکبار نزد منذر بن ساوی حاکم بحرین اعزام شد تا ورود او را نزد خسرو پرویز فراهم سازد و بعید نبوده که منذر، مترجمی را همراه سهمی فرستاده باشد. جز این، شناخت یک عرب نسبت به زبان ایران همسایه باعث شگفتی و تعجب نخواهد بود.

بنابراین روایت ابن هشام با تمام جزئیات. چه درست و چه نادرست. نمی‌تواند در صحت اصل اعزام‌ها تأثیری داشته باشد.

۵. دلیل آخر که شرق شناس (وایل) ارائه کرده و محققان عرب نیز آن را گسترش داده‌اند<sup>۳۴</sup> از این قرار است که اعزام نمایندگان نزد پادشاهان در پایان سال ششم هجری یا اوایل سال هفتم رخ داده است، اما سه نامه مربوط به هرقل، مقوقس و نجاشی دارای آیاتی است که گفته می‌شود در سال نهم هجری درباره کوچ نصاری به نجران نازل شده است و این تناقض موجب مشکوک شدن موضوع است. آیه مورد اشاره اینان آیه ۶۴ سوره آل عمران است: «قل یا أهل الکتاب تعالوا إلی کلمه سواء

۳۵. ابن کثیر، التفسیر باختصار الرفاعی، ج ۱، ص ۲۷۹-۲۸۰.

۳۶. زرکشی، البرهان، ج ۱، ص ۲۹ و الزرقانی، مناهل العرفان، ج ۱، ص ۱۰۹ به بعد.

۳۷. الکتانی، التراتیب الاداریه، ج ۱، ص ۱۶۶.

۳۳. الندوی، السیره، ص ۲۳۳ (باختصار).

۳۴. ولیام میور، حیاة محمد، ص ۳۵۷ و دیپلوماسیة محمد، ص ۶۱.

در سال ۱۹۴۰ شرق شناس انگلیسی، دانلوب مقاله‌ای در مجله انجمن پادشاهی آسیایی به چاپ رساند و در آن از دستیابی به نامه‌ای پوستی که در تملک تاجری سوری بوده خبر داد. گمان او بر این است که آن نامه، نامه پیامبر (ص) به نجاشی در حبشه بوده است. او همچنین گفته که مالک سوری این نامه را از راهبی از اتیوپی که در زمان جنگ جهانی دوم به دمشق آمده به دست آورده است.

دانلوب تصویر نامه و ویژگی‌های آن را انتشار داد، ولی پس از مشاوره با پاره‌ای از کارشناسان موزه بریتانیا و شرق شناسان و دیگران در صحت آن تردید کرد. دکتر محمد حمیدالله آن نامه را احتمالاً تصویری از نسخه‌ای قدیمی دانسته است. دانلوب این نامه را به مالکش بازگرداند و اکنون از سرنوشت آن خبری نداریم.

در سال ۱۹۶۳ دکتر صلاح‌الدین منجد مقاله‌ای در جریده الحیاه بیروت انتشار داد و در آن خبر از کشف نامه پیامبر (ص) به کسری داد. او گفت که اصل نسخه پوستی این نامه نزد هنری فرعون، یکی از وزرای سابق لبنان که عاشق جمع‌آوری اشیای عتیق بوده نگهداری می‌شود.

هنری فرعون از وجود این اصل من را مطلع ساخت. این نسخه بین دو لوح شیشه‌ای قرار دارد و وجود پارگی از میانه بالای نامه تا سمت راست و پایین آن واضح است. این پارگی با مهارت دوخته شده است. هنری فرعون می‌گوید نامه را همراه با برخی نسخه‌های دیگر از پدرش به ارث برده و پدرش آن را از یکی از ترک‌ها در یکی از کشاکش‌های سیاسی ترکیه خریداری کرده است.

کشف این اسناد در زمان کنونی و روشنگری در صحت برخی از آنها، بُعد جدیدی را در مطالعات نامه‌های نبوی اضافه و وثاقت و مفاهیم نامه‌ها را تأیید می‌کند.

پس از بررسی همه جانبه دکتر منجد روی متن نامه و ویژگی‌های خط و پوست، صحت و اصالت نامه را ترجیحاً اعلام نمود.

باید تأکید کنیم که محقق مسلمان با پذیرش قبلی اصل خبر، به بررسی تحقیق روی نامه‌های کشف شده و یا کشف نشده می‌پردازد. آنچه بیان شد ما را به تجدیدنظر در روشی که تاکنون در پژوهش نامه‌ها توسط محققان مسلمان یا مستشرقان به انجام رسیده می‌رساند. با تأمل در این شیوه در خواهیم یافت که به جز نامه هرقل که پژوهش‌های متنوعی روی آن صورت گرفته، محققان بر محتوای نامه‌ها و تطبیق آن با محتوای اصل متن و نیز شکل پوست نوشته‌ها و نشانه‌های قدمت آنها، ویژگی‌های خط و میزان تناسب آن با خطوط شناخته شده اسناد قدیمی متمرکز می‌شوند.

پس از بررسی همه جانبه دکتر منجد روی متن نامه و ویژگی‌های خط و پوست، صحت و اصالت نامه را ترجیحاً اعلام نمود.

بدون شک این روش با عناصر سه‌گانه آن تا حد زیادی بر ارزیابی اسناد مکشوفه کمک می‌کند، اما به تنهایی برای این موضوع کافی نیست، بلکه چاره‌ای جز تقویت این روش با دو عنصر دیگر نخواهد بود:

در سال ۱۹۷۳م سند ویژه‌ای کشف شد که قبلاً برای مدتی کوتاه در اختیار ملک عبدالله بن حسین پادشاه سابق اردن قرار داشت. این سند پس از وفات او به همسرش ناهده حجازی رسید. وی در زمان کهنسالی کوشید تا این سند نزد یکی از حکام مسلمان نگهداری شود. از این رو موضوع را با دولت کویت و امارات عربی در میان گذاشت و نتیجه آن اجرای سه پژوهش درباره سند شد: یکی در لندن محل اقامت ناهده حجازی بود که استاد یاسین حامد صفدی مدیر بخش مخطوطات عربی موزه بریتانیا به انجام رسانید. دوم در کویت توسط گروهی از استادان، یعنی دکتر حسین مونس، دکتر شاکر مصطفی و دکتر محمود علی مکی. سوم در ابوظبی توسط نگارنده این نوشتار به انجام رسید. استاد صفدی متن نامه و ویژگی‌های پوست و خط را بررسی و در پایان، اصالت آن را تأیید کرد. گروه کویتی ویژگی‌های خط و اسناد آن را بررسی کرده و در پایان مشکوک بودن نامه و احتمال جعلی بودن آن را نتیجه گرفتند. بنده نیز دو موضوع پژوهش شده قبلی در متن و

اول: بررسی فراگیر و عمیق سندی که نامه کشف شده به وسیله آن به دست کاشفش رسیده است.<sup>۳۸</sup>

دوم: استفاده از وسایل آزمایشگاهی که در زمان ما بسیار پیشرفته شده است.

۳۸. این تحقیق در نشریه العلم المغریبه در تاریخ ۱۷ ژانویه سال ۱۹۷۵م و خلاصه آن به زبان انگلیسی در نشریه خلیجی Gulf Mirror در سال ۱۹۷۴م به چاپ رسید.  
۳۹. از این دست، پژوهش دکتر محمد حمیدالله، دکتر حسین مونس و همکارش درباره سند وصول نامه هرقل به دست ملک عبدالله حسین را می‌توان یادآور شد.

